گزارش

۳ سال بعد از حادثه

دیوارهای دودگرفته ساختمان خیابان بوستان

● **امیرمحمد حسینی:** یک قفل معمولی طلایی در بزرگ سفارت را به هم چفت کرده. بالای در، سیم‌های خاردار است که دور ساختمان می‌چرخد و بعد حصارها که هم‌اندازه درختان بالا رفته‌اند. پشت حصارها هم ساختمان خالی سفارت جا خوش کرده. همان‌طور دست‌نخورده از ۱۲ دی ۱۳۹۴؛ پنجره‌ها نیمه‌شکسته، سیاهی آتش، هنوز بر تن ساختمان است. اگر آن اتاقک کوچک پلیس دیپلماتیک نبش خیابان نیلوفر نباشد، کمتر رهگذری پی می‌برد که این ساختمان مخروبه روزگاری سفارت عربستان در تهران بوده است. سرباز نگهبان این طرف خیابان به گاردهای پلیس تکیه داده و به سفارت نگاه می‌کند. نزدیک می‌شوم و می‌پرسم: «ساختمان مخروبه است؟» می‌گوید: «کاملا!» بعد که می‌پرسم: «پس اینجا از چی نگهبانی می‌کنی؟». اول سری تکان می‌دهد و می‌خندد. بعد دست‌هایش را از جیب بیرون می‌آورد و می‌گوید: «حتما برای اینکه اتفاق دیگری تکرار نشود». نیمی از خدمت سربازی‌اش باقی مانده. حالا سفارت روبه‌روی ماست با همان رنگ سفید چرک‌مرده. سرباز می‌گوید: «حتی دوربین‌ها را باز کردند، هیچ‌چیز داخل نیست». راست می‌گوید. ساختمان شبیه خانه‌هایی است که در شرف خراب‌شدن هستند و به‌جایشان برجی قرار است بالا برود؛ شبیه برج‌های همین خیابان بوستان. تنها وجود او و تابلوهای «عکس‌برداری ممنوع» است که سعی می‌کنند وانمود کنند اینجا یک مکان دیپلماتیک است؛ درست مثل روزهای پیش از ۱۲ دی ۱۳۹۴.

۱۲ دی ماه ۱۳۹۴

اوایل شب عده‌ای که ابتدا گفته می‌شود خودجوش هستند، مقابل سفارت عربستان در تهران تجمع می‌کنند. معترضان عکس‌هایی از شیخ نمر به دست دارند؛ روحانی منتقد و از رهبران سرشناس شیعه مخالف حکومت عربستان‌سعودی که به‌تازگی اعدام شده و دولت سعودی او را «تروریست» خوانده است. اما کسی نیست که نداند اعدام شیخ نمر تنها جرقه‌ای برای آتش خشمی است که در انتظار شعله‌ورشدن بود. سه ماه قبل؛ یعنی اوایل مهر فاجعه‌ای در منا رخ داده که در پی آن حدود هشت هزار حاجی، ازجمله ۴۶۵ حاجی ایرانی به شهادت رسیده‌اند. معترضان شعارهای مختلفی سر می‌دهند، اما وقتی سنگ‌ها به سوی سفارت پرتاب می‌شود، همه‌چیز رنگ‌وبوی دیگری به خود می‌گیرد. برخی معتقد هستند که اعتراض‌ها به شکل مشکوکی تغییر شکل می‌دهند. کوکتل‌مولوتف‌ها پرتاب می‌شوند و بخش‌هایی از ساختمان سفارت عربستان آتش می‌گیرد. هرچند حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی وقت وزارت خارجه ایران، معتقد است افرادی که با پرتاب «کوکتل‌مولوتف» سفارت عربستان را به آتش می‌کشند نیروهای حزب‌اللهی و بسیجی نیستند، بلکه عوامل نفوذی هستند که کاملا هدایت‌شده این کار را انجام دادند. امیرعبداللهیان درباره دلیل این ادعا هم می‌گوید: «سفارت عربستان یک هفته قبل از این حادثه به سفارتخانه‌های خارجی در ایران اطلاعیه داده و تمامی خودروهای سفارت و دیپلمات‌های خود را به فروش گذاشته، البته سند این موضوع در وزارت امور خارجه موجود است، این نکته نیز قابل ذکر است که در آن شرایط هنوز نه سفارت آتش زده شده، نه اتفاقی افتاده و نه آیت‌الله نمر اعدام شده است». اعتراضات با دخالت نیروی انتظامی حدود ساعت دو بامداد به پایان می‌رسد، درحالی‌که بخش‌هایی از ساختمان سفارت به آتش کشیده شده و رسانه‌های عربی پوشش گسترده‌ای از این واقعه داده‌اند. اما این خاتمه کار نیست. یک روز بعد؛ یعنی یکشنبه، ۱۳ دی، اتفاق مشابهی برای کنسولگری عربستان در مشهد رخ می‌دهد. همان روز عادل الجبیر، وزیر خارجه وقت سعودی، از قطع روابط دیپلماتیک با ایران خبر می‌دهد و از اعضای سفارت ایران در ریاض خواسته می‌شود تا ۴۸ ساعت آینده خاک این کشور را ترک کنند. دیپلمات‌ها همراه با آخرین پیکرهای بازمانده از فاجعه منا به ایران بازمی‌گردند. واکنش‌ها در ایران همگون است. از رئیس‌جمهوری گرفته تا رئیس قوه قضائیه، فرمانده وقت سپاه تهران و امامی‌کاشانی، امام‌جمعه موقت تهران، حمله به سفارت را محکوم می‌کنند. اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، هم از دستگیری تعدادی از مهاجمان خبر می‌دهد.

وصله ناجور واقعیت‌های مسکوت

در این شرایط روند قضائی حمله‌کنندگان به سفارت در ایران آغاز می‌شود. مصطفی شعبانی، وکیل‌مدافع متهمان، در این زمینه به «شرق» می‌گوید که ۴۵ نفر در این پرونده متهم بودند که از این تعداد ۲۰ نفر روحانی و باقی نیز جوانان بودند. شعبانی می‌گوید دوسوم متهمان به حبس‌های سه تا شش ماه محکوم شده‌اند. او می‌گوید حالا دیگر پرونده مختومه است، اما معتقد است واقعیت‌ها و مسائلی در این پرونده وجود دارد که به دلیل آنچه منافع ملی می‌نامد، نه در زمان رسیدگی و نه حالا نمی‌توان مطرح کرد. پیگیری‌های «شرق» برای واکاوی ماجرای سفارت عربستان در تهران به نتیجه نرسید و واقعیت‌هایی که شعبانی از آن می‌گفت، همچنان مسکوت ماند. هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان در تجمع ۱۲ دی ۹۴ حاضر به گفت‌وگو برای روایت شب حادثه نشدند تا همچنان ابعاد مختلف این اتفاق روشن نشود، درحالی‌که روابط دو کشور همچنان در کماست و چشم‌انداز روشنی را هم نمی‌توان برای آن متصور بود؛ حتی با اینکه ساختمان سیاه‌وسفید سفارت عربستان هنوز نگهبان داشته باشد؛ مثل یک وصله ناجور در خیابان بوستان.

عکس: سهند تاکی، شرق

روایت معاون وقت وزیر خارجه از حمله به سفارت عربستان در تهران

روز واقعه

زینب اسماعیلی: سه سال از ماجرای حمله به سفارت عربستان در تهران گذشته است؛ اتفاقی که منجر به قطع رابطه ریاض با تهران شد. اگرچه پیش‌ازآن هم مدت‌ها بود که رابطه دو کشور گرمای چندانی را حس نکرده بود؛ اما ماجرای سفارت به نقطه‌عطفی بدل شد. برخی روایت‌ها از ماجرای شب ۱۲ دی ۹۴ دال بر این است که عربستانی‌ها نقشه قطع رابطه را از پیش کشیده بودند و همین ماجرا را پیچیده‌تر می‌کرد. در گفت‌وگو با حسین امیرعبداللهیان، معاون وقت عربی وزیر امور خارجه، درباره آنچه در آن چند روز در دستگاه دیپلماسی و در هماهنگی با نهادهای مرتبط گذشت، پرسیدم. امیرعبداللهیان به‌عنوان دیپلماتی که سال‌ها در حوزه عربی کار کرده، معتقد است ماجرای سفارت دلایل زیادی داشت که از قبل ایجاد شده بود. در این گفت‌وگو می‌توانید متوجه شوید که دستگاه دیپلماسی در جریان فاجعه منا و حمله به سفارت عربستان با چه افت‌وخیزی مواجه بود.

از ۱۲ دی ۹۴ برایمان بگویید؛ از آنچه ابتدا در حواشی کنسولگری عربستان در مشهد و بعد مقابل سفارت ریاض در تهران رخ داد. این روز را به‌روشنی به خاطر دارید یا خاطره تیره‌ای در ذهنتان مانده است؟

به‌دلیل اتفاقاتی که قبل از آن حادثه رخ داده بود، به نظر من ماجرایی که مقابل سفارت عربستان رخ داد، ضمن اینکه تا حدی قابل پیش‌بینی بود، درعین‌حال در این اندازه که رخ داد، برای من هم قابل پیش‌بینی نبود.

تا چه حد قابل پیش‌بینی بود؟

اتفاقاتی افتاده بود که حساسیت موضوعات مرتبط با عربستان سعودی، سیاست‌ها و اقداماتش را در داخل کشورمان خیلی بالا برده بود. از یک طرف فاجعه‌ای رخ داده بود با عنوان فاجعه شهدای منا، از طرف دیگر اعدام یک روحانی شیعه به نام آیت‌الله نمر، هرکدام از اینها پیامدهای ویژه منفی در سطح جهان اسلام و به‌طور خاص در افکار عمومی داخل ایران داشت. تبعات منفی اتفاقی که در فاجعه (و نه حادثه) منا رخ داد، این بود که سعودی‌ها مسئولیت‌پذیری نداشتند و حتی در یکی از انسانی‌ترین و احساسی‌ترین موضوعات که انتقال پیکر کشته‌شدگان و شهدای فاجعه منا بود، حاضر نبودند سر سوزنی با هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی همکاری کنند. این در حالی است که فرهنگ‌ها متفاوت است. خاطرم هست زمانی در دوره صدام در عراق دیپلمات بودم، با کاردار سفارت لهستان ملاقات داشتم، ایشان فرد همراهش را که دبیر اول سفارت بود به من معرفی کرد و گفت از زمان جنگ جهانی دوم برای سربازان لهستانی که در این منطقه کشته شده‌اند، قبرستانی در استان دیالی عراق داریم، این خانم مسئول رسیدگی و سرکشی به این قبرستان است، چون برای ما احترام‌گذاشتن به کشته‌شدگان و اموات‌مان خیلی مهم است. بعد از گذشت دو دهه از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هنوز یکی از پرونده‌های باز ما با عراق انتقال پیکر مطهر شهداست که هر ماه و هر هفته شاهدش هستیم که مربوط به اعتقادات و فرهنگ ماست. سعودی‌ها حتی در این مسائل انسانی، ارزشی و احساسی نه‌تنها همکاری نمی‌کردند بلکه آستانه تحریک و عصبیت مردم را در سطح افکار عمومی بالا می‌بردند. بنده به‌عنوان معاون سیاسی در بخش ذی‌ربط خودم و معاونت کنسولی به‌عنوان مسئول پیگیری امور کنسولی ایرانی‌ها و شخص دکتر ظریف همه تحت فشار بودیم که شما در وزارت خارجه چه می‌کنید. اینکه آن اتفاق رخ داده بود یک بحث بود و اینکه عربستان مسئولیت‌پذیری نداشت، بحث دیگری بود اما این حداقل کاری بود که همه از وزارت خارجه انتظار داشتند. نمی‌خواهم بگویم سعودی‌ها در این قضیه تعمد داشتند بلکه می‌گویم به این مسئله و پیامدهایی که می‌توانست داشته باشد، توجه نداشتند. بعد از آن مسئله اعدام آیت‌الله نمر رخ داد. سعودی‌ها حساسیت مرجعیت دینی شیعه در جهان اسلام را درک کرده بودند. چون قم، نجف، لبنان، علمای دینی در بحرین و پاکستان همه به عربستان هشدار و پیام داده بودند که خط قرمز ماست و نباید اجازه دهید مجتهدکشی شود و شخصیت‌های شاخص جهان اسلام این‌گونه بازیچه دست سیاست‌ها شوند و اختلافات به‌خاطر تشنج‌ها تشدید شود. همه اینها زمینه‌هایی بود که به ما هشدار می‌داد آستانه تحمل مردم پایین آمده و گروهی که با حساسیت این تحولات را دنبال می‌کنند حساس شده‌اند. شاید شما از نگاه روزنامه «شرق» جریان خاصی مدنظرتان باشد اما اجازه دهید حقایق را برایتان بگویم. در این مسئله اصلا نمی‌توانید بگویید یک جریان یا گروه سیاسی خاص بود که حساسیت داشت. خانواده شهدای حادثه منا با هر طرز فکری در این جریان وجود داشتند. از دانشگاهیان تا بازاریان و هنرمندان و طیف‌های مختلف، این حساسیت وجود داشت که چرا باید این اتفاق بیفتد و به این شکل عمل کنند. یادم هست حتی بعدازظهر ۱۱ دی در نشست شورای معاونان در وزارت خارجه من گزارشی از وضعیت پیش‌آمده و حساسیت‌های موجود دادم و اینکه مقامات ذی‌ربط امنیتی و انتظامی کشور به ما گفته‌اند احتمال تحرکاتی علیه سفارت عربستان وجود دارد. درعین‌حال در شورای معاونان جمع‌بندی‌مان این شد که حتما باید به نهادهای ذی‌ربط توجه لازم را بدهیم که حفاظت ویژه‌ای از سفارت عربستان در تهران و سرکنسولگری در مشهد به عمل بیاورند؛ بنابراین از این منظر قابل پیش‌بینی بود و پیش‌بینی‌های لازم انجام شد.

آیا حفاظت ویژه به عمل آمد؟

آنچه در مورد مشهد رخ داد، خیلی حاد نبود و گستره وسیعی نداشت و متناسب با آن برنامه‌ریزی‌هایی کرده بودند و مانع از این شدند که اتفاق خاصی در مشهد رخ دهد. در مقابل سرکنسولگری عربستان در مشهد تجمعاتی داشتیم؛ ضمن اینکه در حد محدود تعرضی شده و به محوطه داخل ساختمان سرکنسولگری سنگ پرتاب کرده بودند اما در همین حد؛ توسط نیروی انتظامی کنترل شده بود. در تهران براساس گزارش‌هایی که در همان روز به‌طور مستقیم از معاون وقت امنیتی انتظامی وزارت کشور می‌گرفتم و با ایشان در تماس بودم، موفق شدیم هماهنگی خیلی عالی‌ای داشته باشیم. فراموش نمی‌کنم یکی از کسانی که در این مسئله به حوزه ما کمک کردند، آقای سرمدی، قائم‌مقام وزارت خارجه بودند که در تماسی با معاون وقت امنیتی انتظامی وزارت کشور صحبت کردند و حساسیت موضوع را هم به ایشان گفتند.

اینها مربوط به روز یازدهم دی بود؟

بله، این اقدامات یک روز قبل از حادثه و ۱۱ دی بود.

براساس گزارش‌های مستندی که آن زمان منتشر شده، ظهر دوازدهم دی ماجرای کنسولگری مشهد رخ داد و حدود ۱۱ شب مقابل سفارت عربستان تجمع آغاز شد. نتیجه «هماهنگی عالی» شما این شد که گروهی سفارت را آتش زده و وارد محوطه شدند؟

نتیجه این هماهنگی عالی چیز دیگری شد. در ساعاتی که پیش‌بینی می‌شد، مقابل سفارت عربستان در تهران اتفاقی رخ نداد و عملا حجم گسترده حضور افراد خشمگینی که آمده بودند و می‌خواستند اعتراضشان را بیان کنند، به‌خوبی کنترل شد.

زمان وقوع حادثه کجا بودید؟

من آن شب طبق روال تا ساعت ۹:۳۰ در محل کارم در وزارت خارجه بودم و بعد به منزل رفتم و تا ۱:۳۰ بامداد با یک خط تلفن با معاون امنیتی وزارت کشور و با خط تلفن دیگری با حسین صادقی که سفیرمان در عربستان بودند، در تماس بودم و از تهران، کاردار عربستان مطالب را به آنها منتقل می‌کرد؛ درحالی‌که آنها در رزیدانسشان در امنیت کامل بودند. درواقع منازل مسکونی دیپلمات‌های عربستان‌سعودی تحت کنترل ویژه قرار گرفته بود که تعرضی به آنها نشود. یکی از دلایلی که حتی مویی از یک دیپلمات عربستان در این حادثه مفقود نشد و یک قطره خون از بینی هیچ‌کدام از آنها نریخت، به خاطر این تدابیر بود. تا حدود ساعت ۱۲ شب که آقای حسین صادقی از ریاض با من تماس گرفت و گفت مقامات وزارت خارجه عربستان با من تماس گرفته‌اند و می‌گویند سفارت ما مورد تعرض قرار گرفته است. همان‌طور که آقای صادقی صدای ما را می‌شنید، در تماسی موضوع را به معاون امنیتی وزارت کشور اطلاع دادم و گفتم آنها چنین ادعایی دارند. ایشان گفتند براساس اخباری که داریم، چنین مسئله‌ای نیست؛ البته برخی مواد آتش‌زا به داخل سفارت پرتاب کرده‌اند اما الان محیط هیچ مشکلی ندارد و همه تظاهرکنندگان رفته‌اند. اما حدود ساعت ۱:۳۰ بامداد بعدازاینکه همه‌چیز آرام شده، گروه اندکی از در دیگری داخل سفارت رفته بودند. با تصور اینکه همه‌چیز تمام شده است، بخشی از نیروهای انتظامی ما خارج شده بودند؛ در حدی که حالا مردم تظاهراتی کردند و دو، سه مواد آتش‌زا به داخل حیاط سفارت پرتاب کرده و رفته‌اند. اما مطلع شدم گروه دیگری وارد شده‌اند. با معاون امنیتی که تماس گرفتم، گفتند متأسفانه گروهی نیروهای امنیتی را غافلگیر کرده‌اند و از در پشتی وارد ساختمان شده‌اند و خسارت‌هایی به سفارت وارد کرده‌اند. البته این سؤال‌ها را باید از مقامات امنیتی و رئیس پلیس دیپلماتیک بپرسید. من به‌عنوان معاون سیاسی وزیرخارجه وظیفه داشتم موضوع را به‌صورت مکتوب به بخش‌های امنیتی منتقل کنم که حفظ امنیت، وظیفه‌تان است و آنها باید وظیفه‌شان را به‌خوبی انجام دهند. اینکه این کارها به‌خوبی انجام شده یا نشده و چرایی‌اش را باید از پلیس انتظامی و پلیس دیپلماتیک بپرسید که چرا زمانی که تصور می‌کردید مردم صحنه را ترک کرده‌اند، نیروهایتان را به ۵۰ درصد تقلیل داده‌اید و مثلا تا صبح باید ۲۰۰ درصد نیروها در محل مستقر می‌ماندند.

شما می‌فرمایید ۱۲ شب اوضاع آرام بوده، تا آن‌زمان به حیاط سفارت کوکتل‌مولوتف پرتاب شده بود. اما تصاویر نشان می‌دهد داخل ساختمان آتش‌سوزی رخ داده و آتش‌نشانی برای خاموش‌کردن آتش حضور یافت؛ همان‌طور که تصاویر روزهای بعد از ساختمان نشان می‌دهد دیوارهای ساختمان کاملا دود گرفته بود.

تصاویری که اول منتشر شده، نشان می‌دهد از یک اتاق ساختمان سفارت آتش زبانه می‌کشد- البته من بعد از حادثه هم سفارت عربستان را از نزدیک ندیدم، شاید چون بحث حفاظت ساختمان به من ارتباط نداشته اما گزارش بخش‌های ذی‌ربط را دیدم- بعد از بررسی بخش‌های تخصصی نکته‌ای مشخص شد. مقابل سفارت عربستان وقتی تجمع مردم زیاد شد، در اتاقی که محل نگهداری اسناد بود، به این دلیل که حس کردند ممکن است اتفاقی بیفتد و فرصتی برای خردکردن اسناد نداشتند، اقدام به آتش‌زدنشان کردند و آتش‌های اولیه واقعا طبق گزارش‌ها هیچ ربطی به این مسئله نداشت. مشابه آنچه در سفارت آمریکا رخ داد و کارکنان سفارت، اسناد را در دستگاه‌های خردکن قرار دادند که بعد توسط دانشجویان پیرو خط امام منتشر شد.

اما قبلا در مصاحبه‌ای گفته بودید که ساختمان تخلیه شده بود.

تا قبل از اتفاقی که نیمه‌شب افتاد، براساس گزارش‌هایی که به ما دادند، دو نفر از کارکنان سفارت آنجا بودند. اما اینکه دیپلمات‌های سعودی بودند یا کارمندان محلی، طبق گزارشی که بنده دیدم، کارمندان محلی عربستان بودند و نه نیروهای دیپلمات. در گزارش‌ها تأکید شده بود هیچ دیپلماتی در سفارت نبوده. من به گزارش‌های روزنامه‌ای توجهی ندارم، به گزارش‌های مستندی که تیم‌های فنی بررسی کرده‌اند، استناد می‌کنم.

ارجاع من به مصاحبه خود شما بود که گفته بودید سفارت عربستان هنگام حادثه تخلیه بود، شاید مفهوم دیپلمات درست‌تر بوده؟

شب که سفارت تعطیل است هم افرادی در ساختمان هستند.

فرمودید سفیر وقت ایران در ریاض در تماسی که داشتند، به‌نقل از طرف عربستانی می‌گوید به سفارت ما تعرض شده. از سوی دیگر، شما وقتی با مقام مربوطه وزارت کشور تماس می‌گیرید، می‌گویند اوضاع آرام است اما پس از آن عده‌ای از کوچه پشتی وارد سفارت می‌شوند. آنچه به آقای صادقی در ریاض گفته شده بود با این موضوع هم‌زمان بود یا قبل‌تر بود؟

برای اینکه جواب درستی بگیرید، باید خودتان را در آن فضا قرار دهید. می‌خواهم از تجربه دیپلماتیک خودم در بغداد استفاده کنم. سال‌های حکومت صدام گاهی اوقات عوامل حزب بعث اجیر می‌شدند و جلوی سفارت جمهوری اسلامی ایران تظاهرات و تعرض می‌کردند. ما با دوربین از داخل سفارت، اوضاع را چک می‌کردیم. من به‌عنوان کسی که داخل سفارت بودم یا همکارانم وقتی صحنه را می‌دیدند، زمانی‌که می‌خواستیم به تهران منعکس کنیم حس می‌کردیم هر آن امکان دارد این افراد از دیوار سفارت بالا رفته و وارد حیاط شوند؛ در نتیجه وقتی می‌خواستیم گزارش کنیم، شما باید در یک کشور خارجی باشید که دسترسی به جایی ندارید، کشور خودتان نیست و امکان دارد با ورود افراد به سفارت هر اتفاقی بیفتد. مگر منافقین در دهه اول پیروزی انقلاب در سفارت ما در لندن دیپلمات‌ها را نکشتند؟ در نتیجه زمانی که من و کاردار می‌خواستیم اتفاقات را به تهران منعکس کنیم، ممکن بود مشاهدات ۱۰درصدی ما ضربدر ۶۰ و منعکس شود. چون مسائل روحی، روانی هم با مسئله تلفیق می‌شود. گزارشی که آقای صادقی به من می‌دادند بر مبنای بازخوردی بود که کارمند مضطرب سعودی از داخل سفارت به کارمند دیپلمات سعودی در منزل یا رزیدانسش منتقل می‌کرد. البته بعدا معلوم شد برخی از عوامل سعودی که نیروهای امنیتی در پوشش دیپلماتیک بودند، خودشان در جمع مردم تظاهرکننده بودند و از همان‌جا اطلاعات می‌دادند. بنابراین پیچیدگی رفتار عربستان هم قابل توجه است. یک هفته بعد از حادثه سفارت، یکی از سفرای اروپایی با من در وزارت خارجه ملاقات داشت. ایشان یادداشتی را به من نشان داد (که در اسناد وزارت خارجه هست) سفارت عربستان تمام خودروهای سفارت و دیپلمات‌ها را به فروش گذاشته و به چند سفارتخانه که دوستانشان بودند، داده بودند. زمانی که آن سفیر، موضوع را برای من تعریف کرد، باورش قدری برایم سخت بود اما جمله‌اش که تمام شد از فولدری که در اختیارش بود تصویر یادداشت را درآورد و به من داد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تقاطع حادثه‌ساز!** پایین‌تر از میدان شهدا، تقاطع خیابان‌های ۱۷شهریور- کاظمی به علت تنظیم‌نبودن چراغ راهنما رانندگان با مشکلات فراوانی مواجه شده‌اند. از مسئولان سازمان ترافیک شهرداری تهران تقاضای رسیدگی داریم.

عاطفه کاوه

● **تحمل در برابر انتقادها:** برخی افراد تحمل شنیدن یا انتشار مطالب انتقادی را در مطبوعات ندارند. درحالی‌که انتقاد سازنده حق مردم و تحمل آن از سوی مسئولان ضروری است.

سیدحسن نبوی

● **خدمات گران:** «بیشتر تعمیرگاه‌های خودرو به جای تعمیرکار تعویض‌کارند و برای راحتی خودشان قطعات را تعویض می‌کنند و به علت نبود نظارت به دلخواه از مشتریان پول می‌گیرند! خدمات گران موجب نارضایتی مردم از تعمیرگاه‌ها شده است.

محمدامین اردشیر

خبر

● **پاسخ روابط‌عمومی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری و تهران و حومه:** احتراما خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، پنجشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۶ صفحه ۳ با مضمون درخواست افزایش یک‌ساعته فعالیت قطارهای مترو، پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد: با سلام احتراما ضمن تشکر از این مسافر محترم، به اطلاع می‌رساند یکی از ملزومات و استانداردهای خطوط درون‌شهری مترو، شروع هم‌زمان همه خطوط با هم بوده و تنوع در ساعات شروع هریک از خطوط منجر به ایجاد بی‌نظمی و اختلال ترافیکی خواهد شد. مجموعه تجهیزات ثابت و متحرک خطوط متروی تهران پس از پایان ساعات سرویس‌دهی در اختیار گروه‌های نگهداری و تعمیرات قرار می‌گیرد تا نسبت به انجام سرویس‌های دوره‌ای، برطرف‌کردن ایرادات فنی و... اقدام نمایند؛ بنابراین درحال‌حاضر افزایش ساعات فعالیت قطارهای مترو منجر به اختلال در انجام برنامه‌های مدون امور نگهداری و تعمیرات شده و به‌هیچ‌وجه مطلوب نخواهد بود.